

Explaining the Iranian constitutional movement based on Crane Brinton's theory of revolution

Mehdi Faraji*

Behzad Ghasemi**

Abstract

The present article seeks to explain the causes of constitutionalism in Iran based on Crane Brinton's theory of revolution, using a combined approach and method, citing historical evidence, including historiographical sources, memoirs, travelogues, and the press. Brinton's theory of revolution is important because it examines the four great revolutions (France, Russia, Britain, and the United States). The method of the article is historical and theory has been used to explain the developments. Findings indicate that among the preliminary signs that Brinton considers in his theory of revolution, the components of "inefficiency of the government machine", and "change of allegiance of enlightened thinkers" have played a role in the occurrence of Iranian constitutionalism. . The signs of "economic growth," "class strife," and "surprising failure to use force" did not conform to Iranian constitutionalism, and contrary to Brinton's theory, the government and the people were in a difficult economic situation. There was no class conflict in the constitutional movement, and despite the violence in the Grand Mosque and the events leading up to Kobra's migration, due to the dominance of the negotiation process and the Shah's pressure and support for the constitutionalists, it can be said that force was used in the Iranian constitutional movement. And there is no military force to suppress the protesters.

* Assistant Professor of History, University of Tabriz, (Corresponding Author)
mehdi_faraji1361@yahoo.com

** Assistant Professor of History of Imam Hussein University, ghasemi.b@ihu.ac.ir

Date received: 05/05/2021, Date of acceptance: 19/08/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

The course of events of the movement and its adaptation to Brinton's theory and the four great revolutions show that the Iranian constitutionalism was not a revolution but a movement

Keywords: Iranian Constitutionalism, Theory of Revolution, Crane Brinton, Movement.

تبیین جنبش مشروطه خواهی ایرانیان براساس نظریه انقلاب کرین بریتون

مهدی فرجی*

بهزاد قاسمی**

چکیده

مقاله حاضر در صدد است با رویکرد و روشی تلفیقی و با استناد به شواهد تاریخی، از جمله منابع تاریخ نگاری، خاطرات، سفرنامه‌ها و مطبوعات، به تبیین عوامل وقوع مشروطیت در ایران (۱۳۲۴ق) بر اساس نظریه انقلاب کرین بریتون بپردازد. نظریه انقلاب بریتون از این جهت مهم است که به بررسی چهار انقلاب بزرگ (فرانسه، روسیه، انگلیس و آمریکا) دنیا پرداخته است. روش مقاله تاریخی بوده و از نظریه جهت تبیین تحولات استفاده شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که از بین نشانه‌های مقدماتی که بریتون در نظریه انقلاب خود بر می‌شمارد، مؤلفه‌های «ناکارآمدی ماشین حکومت»، و «تغییر بیعت منورالفکران» در وقوع مشروطیت ایران نقش داشته‌اند. نشانه‌های «رشد اقتصادی»، «منازعه طبقاتی» و «ناکامی شگفت آور در کاربرد زور» با مشروطیت ایران انطباق نداشته و برعکس نظریه بریتون، حکومت و مردم در شرایط اقتصادی سختی قرار داشتند. در جنبش مشروطیت تضاد طبقاتی هم مشاهده نشد و علیرغم وجود خشونت در ماجرای مسجدجامع و حوادث منتهی به مهاجرت کبری، به دلیل غلبه جریان مذاکره و فشار و همراهی شاه با مشروطه خواهان، می‌توان گفت که در جریان مشروطه خواهی ایرانیان، کاربرد زور و قوای نظامی جهت سرکوب معترضان مشاهده نمی‌شود. مطالعه روند حوادث

* استادیار گروه تاریخ، دانشگاه تبریز، (نویسنده مسئول) mehdi_faraji1361@yahoo.com

** استادیار تاریخ، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، ghasemi.b@ihu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۸



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

و تطبیق آن با نظریه بریتون و چهار انقلاب بزرگ نشان از آن دارد که مشروطه‌خواهی ایرانیان نه انقلاب بلکه جنبش بوده است.

کلیدواژه‌ها: مشروطه‌خواهی ایرانیان، نظریه انقلاب، کرین بریتون، جنبش.

۱. مقدمه

بیداری ایرانیان و میل به اصلاحات از جنگ‌های ایران و روس شروع شده و مشروطه‌خواهی ایرانیان (۱۳۲۴ق) اولین تجربه تحول خواهی در زمینه قانون‌گذاری و محدود کردن اختیارات نامحدود پادشاه بود. امروزه بررسی و تبیین جریان مشروطه‌خواهی از ابعاد مختلف و با تکیه بر نظریه‌های انقلاب، دارای ضرورت پژوهشی است. اگرچه مشروطیت ایران از دیدگاه‌های مختلفی ارزیابی شده، این مقاله در نظر دارد با تکیه بر نشانه‌های مقدماتی انقلاب مندرج در نظریه کرین بریتون (Crane Brinton)، به تبیین عوامل قریب در وقوع جنبش مشروطیت ایران بپردازد. امر توصیف، تطبیق و تبیین با ارائه مصادیق و شواهد لازم از منابع اصلی دوره مشروطیت، شامل منابع تاریخ نگاری، خاطرات، سفرنامه‌ها و مطبوعات انجام خواهد شد.

مقاله حاضر برای پاسخ‌دهی به این سوال اساسی سامان یافته است که بر اساس نظریه انقلاب کرین بریتون، نشانه‌های مقدماتی و قریب الوقوع انقلاب مشروطه ایران کدامند و کدام نشانه‌ها در جریان انقلاب مشروطه ایران و سایر انقلاب‌های بزرگ بصورت مشترک وجود داشته است؟ بریتون در خصوص چهار انقلاب (آمریکا، انگلستان، فرانسه و روسیه) بر این باور است، همسانی‌های معینی (نشانه‌های یک نواختی) در انقلاب‌های مزبور وجود دارد که آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته و از بررسی سایر انقلاب‌ها (به جز از این چهار کشور) اجتناب شده است. در تحقیق حاضر، هدف از تبیین جنبش مشروطیت به وسیله نظریه بریتون، تبیین اشتراکاتی است که در انقلاب‌های بزرگ دنیا وجود داشته و برای تبیین ماهیت مشروطه خواهی ایرانیان نیز کاربرد دارد.

در خصوص ادبیات تحقیق باید گفت که برخی پژوهشگران در لابلای آثار خود به بررسی مشروطیت ایران بر اساس برخی مؤلفه‌های نظریه بریتون پرداخته‌اند. نخست مقاله «مشروطه‌خواهی و نقش زور در آن بر پایه یافته‌های نظری کرین بریتون» اثر سیدجواد امام‌جمعه‌زاده و ابراهیم دارابی است. در این مقاله نشانه‌های وقوع انقلاب بیان‌گر

کاربرد زور از طرف حاکمیت قاجار را نشان داده است (امام جمعه زاده و دارابی، ۱۳۸۹) که با نتایج مقاله حاضر همسویی ندارد. مقاله دیگر با عنوان «نشانه‌های تب در انقلاب مشروطیت با تکیه بر یافته‌های نظری کرین بریتون»، اثر بهرام نوازی است (نوازی، ۱۳۸۵). از نظر نوازی نظریه بریتون در مورد مشروطه در زمینه «کاربرد زور در انقلاب» تا اندازه زیادی مورد تایید قرار گرفته است. این رویکرد تحلیلی نیاز به تحلیل تاریخی مبتنی بر منابع اصلی دارد. تحقیق حاضر در تبیین عوامل وقوع مشروطیت ایران، تمام نشانه‌های مقدماتی مورد نظر نظریه بریتون را تطبیق و تحلیل خواهد نمود.

۲. رهیافت نظری پژوهش

نظریه انقلاب‌ها و نظریه کرین بریتون در کالبد شکافی چهار انقلاب، چه اهمیتی در تبیین رویدادهای تاریخی دارند؟ نظریه‌ها و رهیافت‌های انقلاب در صدد تبیین عوامل بروز یک انقلاب یا جنبش در جامعه هستند. توصیف، تبیین، تفسیر، تحلیل یا سنجش و ارزیابی یک انقلاب بر اساس نظریه، ابعاد و جنبه جدیدی از رویداد را آشکار می‌سازد. گرچه از نظر بریتون مفهوم انقلاب دقیق نیست؛ ولی کاربرد آن را به دگرگونی شدید، ناگهانی و همراه با خشونت بیان کرده است. نظریه بریتون مراحل وقوع و فرایند انقلاب‌ها را در دو قسمت بررسی کرده است. قسمت اول، نشانه‌های مقدماتی و عوامل قریب الوقوع انقلاب است و قسمت دوم، بر اساس این نظریه انقلاب‌ها در سیر تحولات خود چهار مرحله را به طور کلی پشت سر خواهند گذاشت (بریتون، ۱۳۶۳: ۲۵۴ - ۲۶۹). در این مقاله جنبش مشروطه‌خواهی ایرانیان بر اساس قسمت اول نظریه کرین بریتون مورد بررسی واقع شده است. به منظور تبیین نشانه‌های مقدماتی مشروطه‌خواهی ایرانیان بر اساس نظریه مذکور، عمدتاً وقایع و داده‌های ده سال منتهی به صدور فرمان مشروطیت مخصوصاً ماه‌های پایانی مورد توجه قرار گرفته است. به دلیل تفاوت در ماهیت انقلاب آرام و انقلاب خونین، رخدادهای پس از صدور فرمان مشروطیت در این پژوهش مورد بررسی و تطبیق قرار نگرفته؛ و مقاله حاضر بر اساس نشانه‌های مقدماتی مدنظر بریتون بصورت تطبیقی تبیین شده است.

نشانه‌های مقدماتی انقلاب: انقلاب در رهیافت نظری بریتون شامل، رژیم‌های انگلستان، آمریکا، فرانسه و روسیه (۱۹۱۷) بوده که، در زمینه علل وقوع انقلاب مشابهت

زیادی داشتند. نشانه‌های وقوع انقلاب در نظریه بریتون به صورت خلاصه چنین است: **نخست، بحرانی نبودن اقتصاد (رشد اقتصادی):** بریتون بر این باور است، کشورهایی که انقلاب در آن‌ها به وقوع پیوست، نه تنها گرفتار بحران اقتصادی نبودند بلکه اقتصاد آن‌ها روبه رشد بوده است. جوامع مورد بررسی بریتون از نظر اقتصادی رو به پیشرفت بوده و جامعه فرانسه سراسر قرن ۱۸ روبه رشد بود. انگلیس و روسیه نیز در مسیر پیشرفت قرار داشتند. بریتون اعلام می‌دارد که انقلاب انگلیس بیگمان بخاطر تنگدستی اقتصادی پیش نیامد (بریتون، ۱۳۶۳: ۳۶-۳۳). **دوم، ناکارایی ماشین حکومت (بی‌کفایتی حاکمیت و بحران مشروعیت):** چهار انقلاب مدنظر بریتون که در جهان غرب پس از سده‌های میانه رخ داده‌اند، از نظر وی انقلاب‌های «مردمی» یا «دموکراتیک» بودند که به نام «آزادی» برای اکثریت، علیه اقلیت ممتاز انجام گرفتند و همگی آن‌ها موفق بودند، یعنی نتیجه‌شان به حکومت رسیدن قانونی انقلابیون بود (بریتون، ۱۳۶۳: ۲۳). بنا به نظریه بریتون در چهار انقلاب مورد بررسی، «حکومت‌ها نسبتاً ناکارآمد می‌نمایند و حکومت‌شوندگان نیز نسبتاً نابدبار به نظر می‌آیند»، بریتون «ورشکستگی قریب‌الوقوع حکومت» را «گواه پیشینی بر ناکارایی» چهار جامعه مورد بررسی تلقی کرده و بر این باور است که در جوامع مزبور «دولت دیگر آشکارا خوب نمی‌گردد» (همان: ۴۱).

سوم، تغییر بیعت منورالفکران: از نظر بریتون در همه جوامع مورد بررسی بریتون، «گروه‌های فشار با منظوره‌های کم و بیش انقلابی» وجود داشتند که فعالیت این گروه‌ها در مباحث سیاسی و اخلاقی بوده است. این گروه‌های فشار عمدتاً همان منورالفکران (از جمله نویسندگان، هنرمندان، موسیقی دانان، معلمان و واعظان) هستند که «سخت به نهادهای موجود می‌تازند و آرزومند یک دگرگونی چشمگیر در جامعه، کسب و کار و حکومت» هستند (بریتون، ۱۳۶۳: ۴۹-۴۸). منورالفکران علیه حکومت و وضع موجود می‌شوند و انتقاد می‌کنند و در جستجوی ترقی هستند. خلاصه این‌که این منورالفکران به دنیائی دیگر و بهتر از نظام‌های موجود و مستقر، تغییر بیعت داده‌اند (همان: ۵۳-۵۱). **چهارم، ناهمسازی طبقاتی (منازعه و تضاد طبقاتی):** چهار انقلاب، بیش‌تر ماهیتی «اجتماعی یا طبقاتی» دارند. انقلاب آمریکا به شکل برجسته‌ای یک انقلاب «ملیت پرستانه-سرزمینی» است. به باور بریتون این انقلاب، یک جنبش اجتماعی و طبقاتی نیز بود و هر چه زمان جلوتر می‌رفت، «خصلت اجتماعی» آن بیش از پیش

نیرومندتر می‌شد (همان: ۲۷-۲۶). پنجم، ناکامی شگفت‌آور در کاربرد زور: حکومت‌ها در چهار انقلاب مورد نظر نتوانستند به حد کافی و مؤثر اعمال زور کنند. به نظر بریتون، هیچ حکومتی سقوط نمی‌کند مگر آنکه نظارت خویش بر نیروهای مسلح و قدرت اعمال مؤثر آن‌ها را از دست داده باشد (بریتون، ۱۳۶۳: ۱۰۲-۱۰۳). قدرت‌های مورد بررسی بریتون در هر مورد، با ناکامی شگفت‌آوری روبرو گشتند. آن‌ها که از سوی طبقه حاکم مسؤل چنین واکنش‌هایی در جوامع بودند آشکارا نتوانستند به اندازه کافی زور بکار ببرند (همان: ۱۰۲). بریتون در خصوص این مؤلفه می‌نویسد: «در انگلستان ارتش دائمی چشم‌گیری وجود نداشت و طبعاً از چیزی همانند یک نیروی پلیس نوین نیز نشانی نبود» (همان). همچنین «در انقلاب آمریکا، چه وفاداران امریکایی و چه قوای بریتانیایی به اندازه کافی نیرومند نبودند که بتوانند در هنگام رخداد انقلاب، نیروی مسلح شان را برای کوشش در جهت سرکوبی انقلابیون به کار برند» (بریتون، ۱۳۶۳: ۱۰۳). در فرانسه نیز علی‌رغم این‌که لوئی شانزدهم یک نیروی مسلح قابل اعتماد و نیز یک گارد شاهی مهمی متشکل از مزدوران سوئسی و آلمانی در اختیار داشت، نتوانست بگونه مؤثری از نیروهای نظامی خود استفاده کند. در انقلاب روسیه نیز سربازان حکومت از رویارویی با مردم سر باز زدند و به جای آن، دسته دسته به مردم پیوستند (همان: ۱۰۴-۱۰۳). بریتون هر یک از نشانه‌های انقلاب را وجود یک بیماری در اعضاء و سیستم جامعه بیان می‌کند.

۳. انطباق‌سنجی نشانه‌های مقدماتی انقلاب بریتون در مشروطه ایران

این مبحث تحولات و حوادث ده ساله منتهی به صدور فرمان مشروطیت ایران (با تمرکز بر ماه‌های پایانی جنبش) را در پنج محور اصلی به محک نشانه‌های مقدماتی نظریه بریتون در کتاب کالبد شکافی چهار انقلاب زده و تبیینی جدید از مشروطه‌خواهی ایرانیان ارائه نموده است.

۱.۳ بحرانی نبودن اقتصاد (رشد اقتصادی)

در سال‌های منتهی به مشروطیت دولت و جامعه در وضع سختی قرار داشتند. از زمان انعقاد معاهده جدید بازرگانی ایران-روسیه در سال ۱۳۱۸ق، تجار و صنعتگران ایران از

تعیین تعرفه جدید گمرکی و معافیت صادرات روسیه به ایران از پرداخت عوارض ناراضی بودند. به طوری که در سال ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ تجار تبریز شورش کردند (یزدانی، ۱۳۹۹: ۲۰-۲۱ و نیز ن. ک: ایوانف: ۱۳۵۷: ۲۳) تجار تهران هم در سال ۱۳۲۳ ق. به دلیل بد رفتاری، أخذ مبلغی بیش از مبلغ مصوب و وضع تعرفه گمرکی جدید به زیان تجار ایران به شکایت از نوز بلژیکی رئیس گمرکات پرداختند. ناراضیاتی تجار تهران باعث بسته شدن کاروانسراها و بازار، اظهار شکایت از نوز نزد مجتهدین و تحصن تجار در حرم عبدالعظیم در تاریخ ۱۹ صفر ۱۳۲۳ شد (کرمانی، ۱۳۹۱: ۲۱۷-۲۱۹؛ تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، ۱۳۵۲: ۱۹-۲۰؛ شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ج ۱/ ۱۶ و ۱۹-۲۰). حادثه دیگر گرانی قند و حبس و چوب زدن به پای چند تاجر قند در تهران (۱۵ شوال ۱۳۲۳) به اتهام احتکار و گران فروشی بود. این حادثه باعث بسته شدن بازار و اجتماع معترضین به همراه طباطبایی و بهبهانی در مسجد شاه، و نهایتاً مهاجرت صغری شد (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ج ۱/ ۲۸-۲۹؛ کرمانی، ۱۳۹۱: ۲۷۳-۲۷۵ و ۲۸۱؛ کتاب نارنجی، ۱۳۶۷: ۱۴-۱۵). به عبارت بهتر تجار در پا گرفتن جنبش با انگیزه های اقتصادی و سیاسی با روحانیت متحد شدند. در جای جای جنبش، نقش و حضور پر رنگ تجار و حمایت آنها از جنبش از جمله در تأمین مخارج متحصنین در حرم عبدالعظیم، خرج مهاجرت قم و تأمین هزینه مایحتاج بست نشینی در سفارت انگلیس را می بینیم (کرمانی، ۱۳۹۱: ۲۸۵، ۴۳۰-۴۳۱، ۴۳۳، ۴۳۵، ۴۵۱؛ شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ج ۱/ ۳۳، ۶۸، ۷۴؛ اوبن، ۱۳۶۲: ۲۲۰؛ حیات یحیی، ۱۳۶۲: ۵/ ۲، ۷۲؛ هوگو، ۱۳۶۹: ۲۳۴-۲۳۵؛ تفرشی حسینی، ۱۳۵۱: ۲۶، ۲۸-۲۹؛ کتاب آبی، ۱۳۶۳، ۵/ ۱، ۹-۱۰). بست نشینی در سفارت انگلیس را نیز تجار پس از مشورت با بهبهانی ترتیب داده و نقش اصلی را نیز آنها ایفا کردند (کرمانی، ۱۳۹۱: ۴۳۰-۴۳۳).

گرانی نان و گوشت، و سختی معیشت از دیگر عوامل ناراضیاتی مردم در سال ها و ماه های منتهی به صدور فرمان مشروطیت بود. مردم تبریز در سال های ۱۳۱۶، ۱۳۲۱ و ۱۳۲۳ ق به خاطر کمبود و گرانی نان شورش کردند (یزدانی، ۱۳۹۹: ۳۴-۳۵). یکی از مهم ترین شورش های صورت گرفته به خاطر گرانی نان و گوشت، شورش مشهد در سال ۱۳۲۳ ق بود که عده ای از شورشیان نیز کشته شدند (کرمانی، ۱۳۹۱: ۲۲۲-۲۲۱، ۳۳۳-۳۳۶؛ شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ج ۱/ ۱۴، ۳۶، ۷۷، ۷۹؛ ویشارد، ۱۳۶۳: ۳۳۱؛ کتاب آبی، ۱۳۶۳، ۴/ ۱؛ تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، ۱۳۵۲: ۵۹) گرانی نان و گوشت چنان

مهم بود که در به کرات در جلسات ماه‌های نخست مجلس اول، موضوع گفت‌وگو و پیگیری بود (مذاکرات مجلس اول، ۱۳۸۴: ۴۹، ۵۳، ۵۶، ۵۸، ۶۲-۶۱) و میرزا علی‌اصغرخان اتابک صدر اعظم پیشنهادی محمد علی شاه، در مجلس قول داده بود که نان مردم را تأمین کند (کتاب نارنجی، ۱۳۶۷: ۲۱). وضع مالی دولت در زمان مظفرالدین شاه به قدری وخیم بود که دولت در زمان او از روسیه قرض گرفته و گمرکات کشور را به عنوان ودیعه قرض واگذار کرده بود (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ج ۱/ ۱۵-۱۶؛ کتاب آبی، ۱۳۶۳: ۹/ ۱؛ گروه، ۱۳۶۹: ۲۳۶).

برعکس چهار انقلاب مورد مطالعه بریتون، آمار و ارقام اقتصادی وضعیت ایران عصر مشروطه را بحرانی نشان می‌دهد. طبق برآوردی در اواخر قرن نوزدهم، مبلغ پرداختی واردات ایران، سه برابر صادراتش بوده است (عیسوی، ۱۳۶۲: ۸۵؛ واتسن، ۱۳۴۸: ۸-۹؛ بروان، ۱۳۷۶: ۴۶). بر اساس گزارش‌های دولتی در سال ۱۹۰۶ میزان صادرات ایران ۲۵،۲۱۰،۲۹۸ دلار و میزان واردات ۳۳،۲۳۵،۷۱۸ دلار ذکر شده است (ویشارد، ۱۳۶۳: ۲۶۷). کل تجارت ایران در سال ۱۹۰۰ بر اساس آمارهای گمرکی، ۸۰۰۰،۰۰۰ لیره استرلینگ بوده که ۵۰۰۰،۰۰۰ آن شامل واردات و ۳۰۰۰،۰۰۰ شامل صادرات بود (عیسوی، ۱۳۶۲: ۲۰۶). ناتوانی حکومت از سرمایه‌گذاری و ساخت کارخانه (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۲۴-۱۳۶، پولاک، ۱۳۶۸: ۳۹۱)، ترغیب بریتانیا بر کاشت تریاک، مبادله مواد خام از قبیل تریاک، پنبه، توتون، تنباکو و ابرایشم (طالبوف، ۱۳۵۶: ۹۷-۹۵)، کاهش بهای مواد صادراتی ایران، افزایش مالیات جهت تأمین هزینه‌ها (واتسن، ۱۳۴۸: ۸-۹)، کسری بودجه به مبلغ ۲۰۰،۰۰۰ لیره در سال ۱۳۲۳ق/ ۱۹۰۵ (تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، ۱۳۵۲: ۱۰) و استقراض از بانک‌های خارجی (آفاری، ۱۳۷۹: ۵۷) از مهم‌ترین مصادیق آماری بحرانی بودن وضعیت اقتصاد ایران پیشا مشروطه بود.

مهم‌ترین دلایل بحران اقتصادی و ناکارآمدی ریشه در مناسبات سنتی و ایلی و قبیله‌ای داشت. وجه برجسته مناسبات تولید، متکی بر زمین و کشاورزی بود. بزرگ‌ترین زمین دار نیز خود شاه بود و طبق برآوردی در آغاز قرن نوزدهم، دولت مالک یک سوم زمین‌های قابل کشت بود (کوزنتسوا، ۱۳۵۸: ۵۷-۵۸). تا نیمه قرن نوزدهم، ساختار اجتماعی قرون میانه در ایران رواج داشت و هیچ اقشار اجتماعی جدیدی پدید نیامده بود (کوزنتسوا، ۱۳۵۸: ۶۵). ثروت وجود داشت؛ اما در مسیر تولید قرار نگرفته و انباشت

سرمایه در تولیدات صنعتی رخ نداد (سیف، ۱۳۷۳: ۲۷۸ و ۲۸۰) و بر عکس، بسیاری از صنایع و کارگاه‌های سنتی ایران در اثر واردات کالاهای خارجی و عدم توان رقابت ورشکست شده بودند (تحویلدار، ۱۳۸۸: ۱۲۰-۱۲۱؛ مراغه‌ای، ۱۳۸۸: ۴۷-۴۸؛ فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۲۵-۱۲۶؛ ابوت، ۱۳۹۶: ۱۴۷، ۱۴۹ و ۱۵۹). طی دهه‌های منتهی به مشروطیت، بسیاری از مردم برای یافتن شغل به ماوراء قفقاز مهاجرت می‌کردند (سفرنامه حاج سیاح، ۱۳۸۶: ۴۲ و ۴۹؛ کوزنتسوا، ۱۳۵۸: ۹۹؛ پاولویچ و ایرانسکی، ۱۳۵۷: ۲۳؛ ایوانف، ۱۳۵۷: ۱۷). بسیاری از مردم به دلیل فقدان امنیت و شغل و به سبب ظلمی که از سوی حکام بر مردم اعمال می‌شد از ایران مهاجرت کرده و در «تمامی شهرها و قصبه‌ها و حتی دهات قفقاز» و نیز «ممالک روم و روس و هندوستان» به کارگری می‌پرداختند (مراغه‌ای، ۱۳۸۸: ۴۲-۴۳ و ۴۵-۴۶). علاوه بر فقر و بیکاری، بحران امنیت اقتصادی و دارایی بود. اموال و دارایی مردم فاقد تضمین بوده و در معرض ضبط و مصادره قرار داشت (کرزن، ۱۳۸۰: ۱/ ۶۱۴ و ۶۳۴-۶۳۵؛ فریزر، ۱۳۶۴: ۸۱؛ کوزنتسوا، ۱۳۵۸: ۶۴ و ۹۱-۹۲؛ آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶: ۳۰۴-۳۰۵؛ کتاب آبی، ۱۳۶۳: ۵/ ۱). در نتیجه در ایران پیشا مشروطه از رشد اقتصادی خبری نبود، یکی از درخواست‌های مشروطه خواهان مطالبات اقتصادی بود.

۲.۳ ناکارایی ماشین حکومت (بی‌کفایتی حاکمیت و بحران مشروعیت)

وضعیت اداره مملکت در دوره قاجاریه، سنتی و بر پایه خویشاوند سالاری و ساز و کارهای کام جویانه و سلاقی شخصی استوار یافته بود. نزدیکان و وابستگان دربار از طریق مزایده و با پرداخت رشوه، پیشکش و اکثراً بدون رعایت شایستگی، حکومت ایالت‌ها را به عهده می‌گرفتند (خاطرات حاج سیاح، ۱۳۵۹: ۴۸۰؛ سایکس، بیتا: ۵۹۷/۲؛ کرزن، ۱۳۸۰: ۱/ ۵۷۲، ۵۷۴، ۵۷۸؛ واتسن، ۱۳۴۸: ۱۹؛ گروه، ۱۳۶۹: ۲۲۶-۲۲۷). قوای نظامی مملکت هم بسامان نبود به نحوی که منابع مختلفی از آشفتگی، بی‌مسئولیتی و عدم رعایت اصل شایستگی در قشون ایران قرن نوزدهم سخن می‌گویند (مالکم، بی تا: ج ۲/ ۱۷۶؛ آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶: ۴۳۴ و ۴۴۰؛ کرزن، ۱۳۸۰: ۱/ ۷۶۷).

اوژن اوبن سفیر فرانسه در ایام انقلاب در تهران، اوضاع پریشان ایران پیشا مشروطه را چنین توصیف کرده است: «در مورد اداره و تشکیلات، بهتر است اصلاً حرفش را ننویسیم. چون تعداد بیشماری دارای عنوان وزیر بودند، در حالیکه مطلقاً نه وزارتی وجود داشت و

نه تشکیلات مرتبی در کار بود» (اوبن، ۱۳۶۲: ۱۹۷-۱۹۸). در واقع مناصب و مقامات خرید و فروش می‌شد (کرمانی، ۱۳۶۲: ۸۶). سال ۱۳۲۳ ق اساساً سال بروز نشانه‌های مقدماتی / انقلاب مورد نظر بریتون در ایران است. در این سال شاهد هرج و مرج و شورش مردم علیه حکام در شهرهای مختلف از جمله شیراز، رشت، کرمان، سیستان، مشهد، همدان، کرمانشاه و کردستان هستیم (کسروی، ۱۳۸۵، ۶۳-۶۵؛ اوبن، ۱۳۶۲: ۲۱۶-۲۱۷؛ تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، ۱۳۵۲: ۳۳، ۳۷ و ۵۳-۵۴؛ کرمانی، ۱۳۹۱: ۳۳۰-۳۳۶).

ناکارآمدی حکومت و بروز هرج و مرج در سال‌های منتهی به مشروطیت را شریف کاشانی هم در اثر خود منعکس کرده و در توضیح وضعیت اداره کشور در زمان میرزا علی اصغر خان اتابک صدر اعظم مظفر الدین شاه می‌نویسد که صدر اعظم «شش منشی دارد، هر کدام هر چه می‌خواهند می‌نویسند، صبح که از اندرون بیرون می‌آید، حضورش می‌نشینند. کیسه‌ی مهرش را می‌دهد به آن‌ها؛ بدون آنکه یک کاغذ آن‌ها را بخواند، مهر می‌کنند و می‌روند. دیگر حکم قتل باشد، حبس باشد، تاراج و یغما باشد، به خارجه باشد، به خارجی باشد؛ خیلی امور هرج و مرج شده» (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ج ۱/ ۱۶) همو در جای دیگری می‌نویسد: «... رعب سلطنت از نظرها رفته، به هیچ وجه خوفی در کار نیست. هر کس به خیال خود هر کاری می‌خواهند می‌کنند؛ اصلاً مواخذه از کسی نمی‌شود. سال‌ها است که تعدیات کلیه‌ی رجال دولت و حکام ولایت به عموم بندگان خدا، از حد تصور خارج است» (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ج ۱/ ۱۹). در ایامی که طباطبایی در مهاجرت صغری به سر می‌برد عده‌ای از مردم شهر در شکایت از ظلم و ناکارآمدی حکومت، به طباطبایی نامه نوشته از ظلم حکومتیان به مردم، بروز هرج و مرج، «تنگی معیشت»، «گرانی ارزاق»، «تعدیات حکام»، «ندادن مواجب سرباز»، «احتکار گندم» شکایت می‌کنند (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ج ۱/ ۳۶).

در یکی از مکتوبات «انجمن مخفی» که برای انتشار در مطبوعات در سال ۱۳۲۳ آماده شده بود، بر کاهش جمعیت، فروش دختران ایرانی به ترکمانان، کاهش ارزش پول، مهاجرت، فقر و فلاکت سرباز قشون، بیکاری شایستگان و به کارگیری افراد جاهل و بی‌دانش، ضعف حکومت ایران از لحاظ «ثروت و قوای حریبه» اشاره شده بود (کرمانی، ۱۳۹۱: ۲۲۴-۲۲۵). مراغه‌ای بحران مشروعیّت و ناکارآمدی را در بی‌قانونی می‌داند و مصادیق آن را با این جملات روایت می‌کند؛ «همه چیز هست، چیزی

که نیست قانون است. نظم ندارد...» (مراغه‌ای، ۱۳۸۸: ۳۲۷). شکوه از نابسامانی اوضاع و ناکارآمدی دولت در اغلب رسائل انتقادی و اصلاحی دوره ناصری و پس از آن نیز مشاهده می‌شود (طالبوف، ۱۳۵۶: ۹۹، ۱۲۱-۱۲۰، ۱۲۵، ۲۱۰-۲۱۲). میرزا یوسف خان مستشارالدوله عامل اصلی «جمیع انتظامات فرنگستان» و منشأ تمام ترقیات غربیان را در حاکمیت یک کلمه قانون می‌دانست (تبریزی: ۱۳۵۶، ۷۵-۷۴) مجدالملک سینکی هم در مواضع متعددی از رساله خود، از بی قانونی و ظلم و تعدی به مردم و نابسامانی و فساد دستگاه اداری کشور انتقاد می‌کند (مجدالملک، ۱۳۲۱: ۱۰-۱۵، ۱۹، ۶۱) و تاسیس «مجلس» و حکومت مبتنی بر قانون را راهکار نجات و ترقی کشور عنوان می‌کند. در واقع استقرار قانون و تشکیل عدالتخانه از آرمان اصلی ترقیخواهان بود.

۳.۳ تغییر بیعت منورالفکران

سده هجدهم در فرانسه از جمله ولتر، روسو، دیدرو، رنال، دلباخ، ولنه، هلوسیوس، دالامبر، برناردن دو سن پیر و کندروسه از مهم‌ترین مصادیق تغییر بیعت منورالفکران فرانسه با حاکمیت این کشور بودند. منورالفکران روسیه نیز انتقادات تند سیاسی و اجتماعی به حاکمیت داشتند و در آمریکا نیز روشنگری نقش داشت و منورالفکران خواهان حقوق طبیعی انسان بودند (بریتون، ۱۳۶۳: ۵۳-۵۱). در جنبش مشروطه‌خواهی ایرانیان نیز تغییر بیعت منورالفکران اتفاق افتاد. پرسش این است که منورالفکران ایران در قبال چه امری و یا چه چیزی تغییر بیعت دادند؟ آنها با بی اعتبار کردن اندیشه ظل‌اللهی و افسون زدایی از قدرت به مبارزه با استبداد برخاسته و بیعت خود را با نظام سیاسی موجود شکستند. این تغییر بیعت از نیمه دوم سلطنت ناصرالدین شاه با انتشار مطبوعات و شکل‌گیری جریان منورالفکری قوت گرفت. به عبارت دیگر تغییر بیعت منورالفکران را باید در چهارچوب مقدمات فکری مشروطیت ارزیابی کرد که طی دهه‌ها تکوین یافته و در ماه‌های منتهی به مشروطیت نیز تداوم داشت.

گفتنی است که جریان منورالفکری دخیل در مشروطیت ایران از منظر ترکیب اجتماعی و نیز نگاه به جهان و انسان با منورالفکری اروپایی که عمدتاً در تقابل با مذهب و با اصولی سکولار و عرفی بودند تفاوت داشت. در ایران عهد مشروطیت غالباً جریان منورالفکری از دو منبع دین و عرف تغذیه می‌شد و منورالفکرانی با اندیشه‌های دینی و روحانیونی با

اندیشه آزادی‌خواهی در پی تحول و ترقی بودند. اوژن اوبن سفیر فرانسه در تهران که در ایام مشروطیت در ایران حضور داشت، به نقش تشیع و روحانیت در آزادیخواهی اشاره کرده و می‌نویسد:

پیشرفت اندیشه‌های آزادی‌خواهی، سنت‌های قدیمی حکومت را که بر مبنای تقابل بنا شده بود، دور ریخته و به جای آن، موجبات مشارکت مستقیم مردم ایران را در ترکیب حکومت فراهم آورد. عجیب آنکه تمایلات آزادیخواهی، این بار هم از تحولی که در مذهب تشیع به وجود آمده بود، نشأت گرفت و هم اکنون بزرگ‌ترین طرفداران این اندیشه را در میان ملایان می‌توان یافت (اوبن، ۱۳۶۲: ۲۰۳).

اوبن می‌افزاید که روحانیت «به نهضت جهت خاص بخشید و انقلاب رنگ مذهبی و ملی به خود گرفت» (اوبن، ۱۳۶۲: ۲۱۵-۲۱۶).

منابع و تحقیقات جدید از تأثیر گذاری مطبوعات از جمله/ختر، حکمت، ثریا، پرورش، *حبل المتین کلکته*، قانون و آثار منورالفکرانی چون میرزا ملکم خان، سید جمال‌الدین اسدآبادی، طالبوف، میرزا یوسف خان مستشارالدوله، حاج زین العابدین مراغه‌ای در بیداری ملت و مشروطه‌خواهی سخن می‌گویند (تقی زاده، ۱۳۷۹: ۵۷؛ کرمانی، ۱۳۹۱: ۵۳، ۶۲-۶۴؛ براون، ۱۳۸۶: ۳۵۹-۳۶۲؛ گروته، ۱۳۶۹: ۲۳۳؛ ایوانف، ۱۳۵۷: ۱۸-۱۹، ۳۹؛ پروین، ۱۳۷۷: ۲۶۹-۲۷۰؛ آدمیت، ۱۳۴۰: ۹۹-۱۰۰، ۱۸۳-۱۸۶، ۱۹۹-۲۰۳). سید حسن تقی زاده از رجال عهد مشروطیت، بیداری ملت را عامل مهمی در شکل‌گیری جنبش مشروطیت ارزیابی کرده و می‌نویسد که نوشته‌های میرزا ملکم در روزنامه قانون و دیگر رسائل او، «انقلابی در افکار ایرانیان به وجود می‌آورد» (تقی زاده، ۱۳۷۹: ۵۷). اوبن می‌نویسد که روزنامه‌هایی چون *حبل المتین* چاپ کلکته، *چهره نما* و *حکمت چاپ مصر*، *ارشاد چاپ باکو* و *روزنامه ترکی ملا نصرالدین چاپ قلیس* و *المؤید به عربی و چاپ مصر*، در بیداری ایرانیان تأثیر گذاشته بود (اوبن، ۱۳۶۲: ۲۱۲-۲۱۳). از بین مطبوعات برای نمونه *حبل المتین کلکته* در مقالات متعددی به انتقاد از نظام استبدادی و تبیین مفاهیم جدید مثل آزادی، مساوات و ضرورت مشروطیت پرداخته بود (ن.ک: *حبل المتین*، ۲۸ رجب ۱۳۱۹، سال ۹، ش ۶: ۶؛ همان، ۳ صفر ۱۳۲۰، س ۹، ش ۲۸: ۱۶؛ همان، ۱۸ ربیع الاول ۱۳۲۱، سال ۱۰، ش ۳۱: ۲۰؛ همان، ۱۶ جمادی الاول ۱۳۲۱، س ۱۰، ش ۳۸: ۲۱-۱۹؛ همان، ۳ محرم ۱۳۲۲، س ۱۱،

ش ۲۶: ۵-۶؛ همان، ۸ صفر ۱۳۲۲، س ۱۱، ش ۲۹: ۴-۵؛ همان، ۲۲ صفر ۱۳۲۲، س ۱۱، ش ۳۱: ۱۸؛ همان، ۱۱ صفر ۱۳۲۳، س ۱۲، ش ۲۸: ۱۲؛ همان، ۱۳ محرم ۱۳۲۴، س ۱۳، ش ۲۷: ۹؛ همان، ۲۰ محرم ۱۳۲۴، س ۱۳، ش ۲۸: ۶؛ همان، ۱۶ ربیع الاول ۱۳۲۴، س ۱۳، ش ۳۵: ۴).

تغییر بیعت منورالفکران به کرات از سوی مطبوعات، منورالفکران دینی و غیر دینی و محتوای شبنامه‌ها در سال‌ها و ماه‌های منتهی به صدور مشروطیت، ملاحظه شده است. بیدارگری‌های سید جمال‌الدین واعظ و انتقاد او از نظام استبدادی در ماه رمضان ۱۳۲۳ و انتقاد دیگر واعظین از حکومت در مساجد و مجالس روضه خوانی از جمله این موارد است (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ۲/۶، ۶۶؛ اوین، ۱۳۶۲: ۲۱۷؛ کتاب‌آبی، ۱۳۶۳: ۱/۶-۷؛ تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، ۱۳۵۲: ۲۹).

تغییر بیعت منورالفکران که در اثر آگاهی از مفاهیم جدید و در اعتراض به وضع موجود شکل گرفته بود، خود را به شکل‌ها و شیوه‌های متنوعی نشان می‌داد. سال‌ها قبل از آغاز جنبش مشروطه، شاهد شکل‌گیری محافل مختلف منورالفکری در تبریز هستیم این محافل با تاسیس کتابخانه، توزیع کتاب‌های جدید، برگزاری مجالس، انتشار مجله و شبنامه به انتقاد از نظام استبدادی و ترویج مفاهیم مدرن می‌پرداختند (یزدانی، ۱۳۹۹: ۲۱-۲۴). تشکیل فراموشخانه از سوی میرزا ملکم‌خان، جامع‌آدمیت، کمیته انقلاب، انجمن مخفی و مجامع سری در شهرهایی چون کرمان، تبریز، تهران و تشکیل حزب اجتماعیون عامیون ایرانیان باکو و شعبه‌های آن در شهرهای مختلف ایران که همگی به انتقاد از استبداد و ترویج حکومت قانون پرداخته و راهکارهایی برای تحول داشتند، نمونه‌های دیگری از تغییر بیعت منورالفکران است که نقش مهمی در حرکت جنبش داشتند (آدمیت، ۱۳۴۰: ۲۰۸ و ۲۴۷؛ یزدانی، ۱۳۹۹: ۴۴-۵۰؛ آبراهامیان، ۱۳۸۳: ۷۰-۷۳؛ ملایی‌توانی، ۱۳۹۹: ۵۶-۶۱) از مجامع مذکور، انجمن مخفی بود که در ۱۸ ذیحجه ۱۳۲۲ تشکیل شد. این انجمن به طور منظم نشست‌ها و ملاقات‌هایی با سیدین طباطبایی و بهبهانی، منورالفکران و مبارزان سیاسی با هدف بیداری مردم و سازماندهی جنبش مشروطه خواهی برگزار می‌کرده است. اعضای این انجمن در ترقیخواهی و مشروطه طلبی متأثر از کتاب سیاحتنامه ابراهیم بیگ، یک کلمه مستشارالدوله، آثار میرزا ملکم‌خان و مقالات روزنامه حبل‌المتین بوده‌اند و این

آثار را در بین مردم پخش می‌کردند همچنین مقالات انتقادی در مطبوعات جهت بیداری ملت منتشر می‌کردند (کرمانی، ۱۳۹۱: ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۸، ۱۸۶، ۲۲۳-۲۲۴).

یکی دیگر از فعالیت‌های آزادیخواهان در ماه‌های منتهی به صدور فرمان مشروطیت تشکیل جلسات و برگزاری شب نشینی مداوم و چاره‌اندیشی برای اصلاح نظام سیاسی بود در این جلسات از مفاهیم و نهادهای جدید چون «مجلس شورای ملی» و «نظام مشروطه سلطنتی» به عنوان راهکار ترقی و نجات سخن به میان می‌آمد (خاطرات احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۷: ۵۲۱-۵۲۰، ۵۲۴).

در حرم عبدالعظیم حسنی مقارن با تحصن مشروطه‌خواهان، متنی با عنوان «ندای فرشته بشری» با امضای «فرشته بشری» بین مردم پخش شده بود که بخشی از متن حکایت از تایید مولفه تغییر بیعت منورالفکران مورد اشاره کرین بریتون در جریان مشروطه‌خواهی ایرانیان است. متن مزبور که با عبارت «یا متفرق الجامعین یا مجامع الغافلین» شروع می‌شود قصد بیداری مردم و آشنایی آنها با حقوق ملت را داشت (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ج ۱ / ۴۲-۴۳).

در ایام بست نشینی در سفارت انگلستان، یکی از «نطاقین» حاضر در بست نشینی، نوشته‌ای برای مردم قرائت می‌کند که نشان از تاثیر جریان منورالفکری در بیداری و تغییر بیعت منورالفکران با حکومت دارد. نوشته مزبور بر ظلم، فقر، فساد و ناکارآمدی حکومت می‌تازد و سپس از بی‌اعتنایی و انفعال مردم انتقاد می‌کند و از مردم می‌خواهد که در اعتراض به وضع موجود قیام کنند (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ج ۱ / ۷۶-۸۰).

تغییر بیعت منورالفکران عصر مشروطه با انتقاد از خودکامگی سلطنت و بیدارگری مردم انجام گرفت اما جهت رسیدن به سرمنزل نهایی که همان تشکیل حکومت قانون بود، جریان منورالفکری به تنهایی کافی نبوده و توانایی تغییر را نداشت؛ به همین خاطر تشکیل ائتلاف ترقیخواهان اجتناب ناپذیر بود.

۴.۳ ناهم‌سازی طبقاتی (منازعه و تضاد طبقاتی)

به دلیل آنکه بریتون در بررسی چهار انقلاب مورد نظر خود قائل به ماهیت طبقاتی آنها است و تحلیل‌های مارکسیستی نیز اهمیت خاصی به نقش طبقات در انقلاب‌ها دارند، مؤلفه ناهم‌سازی طبقاتی را به همراه تحلیل‌های مارکسیستی از مشروطیت پی می‌گیریم.

تحلیل‌های مارکسیستی، با این پیش فرض که اساس تحولات بر پایه عامل مادی و اقتصادی است و با پیشفرض ایده تکامل تک خطی کارل مارکس، مشروطه خواهی ایرانیان را منازعه‌ای طبقاتی و نزاعی بین نظام بورژوازی و حکومت فئودالی ارزیابی کرده‌اند. در نظر آن‌ها تجار و سرمایه داران بومی پس از اینکه منافع اقتصادی خود را در برابر سیاست‌های دولت مثل واگذاری امتیازات در خطر دیدند، رهبری حرکت به منظور تحدید اختیارات حکومت را به دست گرفته و روحانیون و پیشه‌وران شهری را نیز با خود همراه کردند.

فشاهی از شکل‌گیری طبقه بورژوا در ایران سخن می‌گوید و می‌نویسد که در قرن نوزدهم نفوذ بورژوازی اروپایی در ایران و نیز توسعه بازرگانی در شهرها و تجارت با کشورهای اروپایی، باعث ظهور طبقه جدید و پر قدرتی به اسم «بورژوا» در ایران شد (فشاهی، ۱۳۵۴: ۵۰۷). همو می‌افزاید که در نتیجه توسعه تجارت، قدرت تجار تا حدی افزایش یافته بود که به دولت وام می‌دادند، به خرید زمین روی آوردند و چون زمین‌ها از دست «فئودالها» خارج شده و در دست «بورژوازی شهری» قرار گرفت، پدیده جدیدی به نام «فئودال بورژوازی» به وجود آمد و «بورژوازی شهری» با «فئودالیسم» همراه شد (فشاهی، ۱۳۵۴: ۵۰۸). همین موضوع را ایوانف و مومنی نیز با مضمونی دیگر مطرح کرده و می‌نویسند که زمین‌ها از دست اشراف فئودال خارج می‌شد و به دست ملاکان تازه‌ای که از بین تجار و روحانیون و مأموران حکومتی برخاسته بودند، می‌افتاد. در نتیجه، قسمت اعظم بورژوازی تجاری، در آغاز قرن بیستم، به مقدار فراوانی با مالکیت فئودالی پیوند یافته بود (ایوانف، ۱۳۵۷: ۱۶-۱۷؛ مومنی، ۱۳۵۲: ۹ و ۱۲-۱۳). فشاهی در جای دیگری از تضاد منافع «دولت فئودال» و «بورژوازی» سخن می‌گوید و می‌نویسد که بورژوازی ایران در دو جبهه با سرمایه خارجی و حکومت فئودال در نبرد بود. «سقوط حکومت فئودال و اخراج استثمارگران بیگانه (روس و انگلیس) اولین کار بزرگ بورژوازی بود. آنان باید واردکار می‌شدند و شدند. و در این راه از یاری روحانیون و ایلات و پیشه‌وران شهری... بهره فراوان گرفتند؛ روحانیون برای تأمین منافع اقتصادی و امتیازات از دست داده، ایلات برای رهایی از مالیات و فقر، و پیشه‌وران و صنعتگران و قشرهای پایین شهری هم به دلیل محرومیت از هر گونه حقوق اجتماعی و تحمل فشار مالیاتی و ظلم دولت به جنبش پیوسته و خواستار سقوط «دولت فئودال قرون وسطایی» شدند (فشاهی، ۱۳۵۴: ۵۰۹-۵۱۰ و ۵۱۲-۵۱۳).

مومنی از دیگر مورخان مارکسیست نیز بر این باور است که «جنبش مشروطیت مبارزه خونین طبقات متوسط و سرمایه‌دار شهری ایران علیه فئودالیزم بود. این جنبش از لحاظ سازمانی هدفش بر انداختن قدرت مطلقه فئودال و استقرار حکومت پارلمانی بورژوازی بود و سرانجام پس از طی نشیب‌ها و فرازها به سازش میان فئودالیزم بورژوازی زده و سرمایه‌داری بزرگ تجاری- که یک پایش به زمین چسبیده بود- خاتمه پذیرفت و از لحاظ شکل سازمانی به استقرار مشروطه سلطنتی بورژوازی- ملاک منجر شد» (مومنی، ۱۳۵۲: ۸). از منظر باقر مومنی، طبقات متوسط خرده پای شهری، که از حقوق اجتماعی و قدرت و امتیاز مادی محروم بودند و کمترین نفعی در ادامه استبداد مطلقه نداشتند به این دلیل به انقلابی‌ترین گروه اجتماعی بدل شدند (مومنی، ۱۳۵۲: ۱۵).

در توضیح تضاد طبقات مورد نظر بریتون و نیز نقد روایت مارکسیستی از جنبش مشروطه‌گفتنی است که نه منشأ و خاستگاه جنبش طبقاتی بود و نه مشروطه‌خواهی ایران را می‌توان به تضاد طبقاتی تقلیل داد. اگر چه منافع اقتصادی روحانیون، تجار و پیشه‌وران شهری در اثر سوء مدیریت حکومت با خطر مواجه شده بود و یا اصلاً حقوقی برای مردم در مقابل حکومت به رسمیت شناخته نشده بود، اما بیدارگری منورالفکران، اندیشه‌های ظلم‌ستیز دین اسلام نیز نقش قابل توجهی داشتند و نمی‌توان بازرگانان را به تنهایی رهبران جنبش دانست. چرا که روحانیت آزادی خواه نقش بسیار موثری در هدایت جنبش داشتند.

دلیل دیگر در رد طبقاتی بودن جنبش این است که اقشار متنوعی با مطالبه‌ای ملی و فراطبقاتی در جنبش فعالیت داشتند به قول اوژن اوبن سفیر فرانسه در تهران، همه گرد هم آمده بودند: «جوانانی که در اروپا تحصیل کرده بودند، ملأیان اصلاح طلب، و بازرگانانی که از جور و ستم حاکمان مستبد به ستوه آمده بودند، همه دوره هم گرد آمدند» (اوبن، ۱۳۶۲: ۲۱۵). در نتیجه نباید مشروطیت ایران را به مانند انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، یک انقلاب طبقاتی و منحصر به طبقه خاصی دانست. در جریان انقلاب روسیه تضاد طبقاتی بین کارگران و کارفرمایان از سویی و بین روستاییان و مالکان از سوی دیگر مشهود بود. روستاییان زمین‌های دولتی و خصوصی را تصرف کردند و بسیاری از مالکان، اراضی خود را ترک کرده و از روستا گریختند. مطالبه روستاییان، تقسیم زمین‌های اشراف، دولت و کلیسا بین روستاییان بود (فیتز پاتریک، ۱۴۰۰: ۸۴).

میخائیل سرگیویچ ایوانف از مورخان مارکسیست با نگاه اقتصادی و مارکسیستی ظهور مشروطیت ایران را تبیین کرده است. او که نتوانسته است روایت و تحلیل خود از مشروطیت ایران را دقیقاً همانند فلسفه سیاسی-اقتصادی کارل مارکس و بر اساس رویکرد تکامل تک خطی استوار نماید و تضاد طبقه کارگر و سرمایه‌دار و یا دهقان و مَلّاک را در جنبش مشروطه خواهی ایرانیان نشان دهد، ناگزیر بر روی عامل اقتصادی تمرکز کرده و تحلیل خود از جنبش مشروطه خواهی ایرانیان را بر اساس مؤلفه‌ها و حوادث و انگیزه‌های اقتصادی بنا نهاده است. او با این رویکرد در روایت زمینه‌ها و عامل موثر در ظهور مشروطیت، به عواملی چون قحطی، گرانی و کمبود نان و گوشت، تهدید منافع اقتصادی روحانیون، شورش‌های شهری با انگیزه اقتصادی، استثمار دهقانان از سوی مالکین، تأثیرپذیری کارگران ایرانی شاغل در باکو از اندیشه‌های بلشویکی و حزب سوسیال دموکرات روسیه، انگیزه‌های اقتصادی تجار، سرایت انقلاب روسیه به شهرهای شمالی ایران پرداخته (ایوانف، ۱۳۵۷: ۱۶-۱۷ و ۲۳-۲۵) و می‌افزاید که انقلابیون ایران تحت تأثیر انقلاب ۱۹۰۵ روسیه بودند و کارگران مهاجر در قفقاز، تحت تأثیر سوسیال دموکرات‌ها و بلشویک‌های روسیه، در بازگشت به ایران و در جریان انقلاب به دنبال «مبارزه انقلابی علیه شاه و فئودال‌ها و امپریالیسم» بودند (ایوانف، ۱۳۵۷: ۲۵-۲۶).

یکی از شواهد موجود در رد منشأ و جهت طبقاتی مشروطه ایران بست نشینی در سفارت انگلیس است که با هماهنگی بهبهانی مجتهد و تجار صورت گرفته بود و اقشار مختلفی از جمله تجار، طلاب، سادات، کسبه، اصناف و پیشه‌وران هم در بست نشینی حضور داشتند (کرمانی، ۱۳۹۱: ۴۳۰-۴۳۳، ۴۵۱؛ دولت آبادی، ۱۳۶۱: ۷۱/۲-۷۳؛ کسروی، ۱۳۸۵: ۱۲۰؛ اوبن، ۱۳۶۲: ۲۱۹؛ تفرشی حسینی، ۱۳۵۱: ۲۸)، مطالبه‌ای هم که در بست نشینی مطرح شد تشکیل «مجلس عدالت» و یا درخواست «آزادی و مشروطیت و امنیت» بود (کرمانی، ۱۳۹۱: ۴۳۳-۴۳۴، ۴۵۱؛ تفرشی حسینی، ۱۳۵۱: ۲۸-۲۹؛ شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۷۳؛ کسروی، ۱۳۸۵: ۱۲۱). مطالبه مزبور برخلاف انقلاب روسیه، مطالبه‌ای فرا طبقاتی بود. آنچنان که از نوشته‌های تروتسکی از رهبران انقلاب روسیه برمی‌آید، هدف انقلاب اکبر روسیه تشکیل قدرت جدید به رهبری پرولتاریا و کنارزدن قدرت بورژوازی بود. «صلح، زمین، نان» از شعارهای انقلاب روسیه بود که در واقع اعلان جنگ طبقاتی علیه مالکان و کارخانه داران بود (پیترز پاتریک، ۱۴۰۰: ۷۸). بلشویک‌ها پس از

پیروزی، ادعا می‌کردند که به نمایندگی از طبقه کارگر حکومت می‌کنند (فیتز پاتریک، ۱۴۰۰: ۹۹).

به اعتقاد نویسندگان مقاله، انگیزه‌ها و زمینه‌های اقتصادی در ماه‌های منتهی به صدور فرمان مشروطیت، بسیار با اهمیت هستند و تحلیل‌های مارکسیستی هم افق‌های جدیدی در شناخت مشروطیت ایران گشوده است اما باید متذکر شد که همانگونه که محققین تاریخ اقتصادی باور دارند، طبقات متشکل و تاریخی، از جمله اشرافیت موروثی در ایران وجود نداشت. عوامل مختلفی از جمله اندیشه عدالت و مساوات اسلامی و قوانین ارث در اسلام از ظهور چنین طبقه‌ای جلوگیری کرده بود (عیسوی، ۱۳۶۲: ۸۰-۸۱). در ایران قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، طبقات و یا به عبارت بهتر گروه‌بندی‌های یکدست و قطعی وجود نداشت. در جامعه ایران امکان گذار از یک گروه اجتماعی به گروه اجتماعی دیگر وجود داشت یعنی این امکان وجود داشت که یک دهقان بتواند به جایگاه یک روحانی، بازرگان و یا یک وزیر تغییر مقام دهد (کوزنتسوا و دیگران، ۱۳۸۶: ۷۷). پدید آمدن طبقه فئودال-بورژوا که پیشتر به آن پرداخته شد شاهدی بر پیچیدگی و درهم‌تنیدگی مسئله طبقات در ایران بر خلاف نمونه اروپایی آن است.

گروهی که در سال ۱۳۲۵ ق در ایران حضور داشت گزارش قابل تاملی از منشأ، فرایند و هدف جنبش ارائه می‌کند. در گزارش او دهقانان نقشی ندارند و هدف جنبش سرنگونی استبداد و تحقق حاکمیت ملی است. او می‌نویسد:

شروع انقلاب ناگهانی و بدون برنامه قبلی بود. هیچ تشکیلات منظمی انقلابیون را در شهرهای بزرگ رهبری نمی‌کرد... یکی از ویژگی‌های این نهضت این است که محروم‌ترین و استثمار شده‌ترین اقشار مردم، یعنی دهقانان در آن شرکت نداشتند. نخست عده‌ای روشنفکر که اکثرشان نیز از تحصیلات اروپائی برخوردار بودند و از افتادن ایران به دست روس و انگلیس می‌ترسیدند ندای آزادی و لزوم تغییرات اجتماعی و اقتصادی را سر دادند. حرکت آنان چون جرقه‌ای بود که به قشر پائین روحانیت و طبقه بازرگانان نیز سرایت کرد و باعث شد آتش انقلاب به تمام معنی شعله‌ور گردد. البته از دیر باز بین طبقه بازرگانان به خصوص بازرگانان مقیم تبریز، این عقیده رواج داشت که ترقی و تعالی ایران بدون سرنگونی نظام استبدادی میسر نمی‌شود. حقوق عامه و احیاء مجد و عظمت ایران، شعارهایی بودند که به زودی توده‌های محروم شهرهای تهران، اصفهان، مشهد و کرمانشاه را به حرکت در آورد و

باعث شد آنها نیز گردهمآیها و تظاهراتی ترتیب دهند و سرانجام وارد مبارزه ای خونین گردند... آزادیخواهان انجمنهای سری تشکیل دادند و درباره حق حاکمیت مردم و برانگیختن توده ها بحث می کردند (گروته، ۱۳۶۹: ۲۳۳-۲۳۴).

مطالعه مدارک و شواهد نشان می دهد که جنبش مشروطه ایران ماهیتی طبقاتی نداشته و عامل اقتصادی هم در این جنبش نقش زیربنایی و تعیین کننده نداشت بلکه باید گفت که انگیزه های اقتصادی نقش مکمل و تشدید کننده داشته اند. در جنبش مشروطه خواهی ایرانیان، ایده/ ذهن (بیداری فکری و سیاسی ملت)، و ماده/ عین (ناکارآمدی حکومت و تاثیرات عملی آن بر زندگی مردم، تورم، گرانی، منافع اقتصادی) همراه با هم تاثیرگذار بودند. افشار مختلفی هم در جنبش شرکت داشتند که هدفشان محدود کردن اختیارات شاه و تحقق حاکمیت مردم و تأمین حقوق برای ملت بوده است. در حالیکه در مورد انقلاب روسیه، یکی از انقلاب های مورد بررسی بریتون، لنین از رهبران انقلاب روسیه به دنبال در هم شکستن نظام پیشین حکومت و تاسیس دولتی جدید به رهبری طبقه کارگر بود (تروتسکی، ۱۳۹۹: ۸۲۰-۸۲۱، ۹۰۹).

۵.۳ ناکامی شگفت آور در کاربرد زور

اگر چه نویسندگان مقاله حاضر با مطالعه روند حوادث معتقدند که جنبش مشروطه عمدتاً جنبشی مسالمت آمیز بود؛ اما جریان حوادثی که به صدور فرمان مشروطیت منتهی شد، بدون درگیری و خشونت هم نبود. حوادثی از سال ۱۳۲۳ق به بعد رقم خورد که نهایتاً منجر به شروع اعتراضات و صدور فرمان مشروطیت شد. از جمله آن حوادث، نارضایتی مردم و بازرگانان از نوز بلژیکی رئیس گمرکات، آشوب کرمان، ماجرای ساختمان بانک، چوب زدن علاء الدوله به پای بازرگانان و واقعه مسجد شاه بود که نخستین اقدام سیدین طباطبایی و بهبهانی به عنوان رهبران اصلی جنبش مشروطه، مهاجرت به حرم عبدالعظیم بود (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ج ۱/ ۲۸-۲۹؛ کسروی، ۱۳۸۵: ۵۹-۷۵؛ اوین، ۱۳۶۲: ۲۱۸-۲۱۹).

پس از اینکه خواسته های مهاجرین به عبدالعظیم از سوی شاه پذیرفته شد، عین الدوله صدر اعظم از اجرای مطالبات خودداری می کرد تا اینکه در این کشاکش ها، سید عبدالحمید به قتل رسید و در اعتراض به این قتل، تنی چند از معترضین در تاریخ ۲۰ جمادی الاول

۱۳۲۴ (واقعه مسجد جامع / آدینه) به قتل رسیدند. طباطبایی و بهبهانی به عنوان رهبران جنبش، از معترضین خواستند که متفرق شوند و بازار را باز کنند و بدون دعوت معترضین به جهاد و یا اقدامی خشونت آمیز، در تاریخ ۲۳ جمادی الاول به قم مهاجرت کردند (تفرشی حسینی، ۱۳۵۱: ۲۵-۲۶؛ کرمانی، ۱۳۹۱: ۴۰۳-۴۱۴؛ کسروی، ۱۳۸۵: ۱۱۳-۱۱۶؛ کتاب آبی، ۱۳۶۳، ۱/ ۷-۸) روز بعد ۲۴ جمادی الاول تجار نیز مقدمات بست نشینی را تدارک دیدند که نهایتاً هزاران نفر به عنوان مقاومت منفی و درخواست میانجی‌گری از سفارت انگلیس در این سفارت بست نشستند و حکومت هم جلوگیری نکرد (کرمانی، ۱۳۹۱: ۴۳۰-۴۳۳؛ شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ج ۱/ ۷۳-۷۴؛ تفرشی حسینی، ۱۳۵۱: ۲۷-۲۸؛ کتاب آبی، ۱۳۶۳، ۱/ ۹). قتل سید عبدالحمید و قتل چند تن از معترضین در واقعه مسجد جامع / آدینه، عمده‌ترین خشونت حکومت با مشروطه خواهان بود.

جریان مشروطه خواهی به رهبری دو مجتهد طباطبایی و بهبهانی راه‌های مسالمت آمیز مانند ایستادگی بر سر مواضع، مذاکره، واسطه افکنی، مهاجرت و بست نشینی را تعقیب می‌کرد و عاقبت نیز صدور فرمان مشروطیت نه با غلبه نظامی و درگیری مسلحانه از طرف مشروطه خواهان، بلکه با همین راه‌های مسالمت آمیز بدست آمد. به این توضیح که شاهد مذاکره و واسطه افکنی بین رهبران مشروطه و وابستگان حکومت و شخص شاه هستیم. واسطه‌گری شمس الدین بیگ سفیر عثمانی و انتقال خواسته های مهاجرت‌کنندگان، مذاکره طباطبایی با عین الدوله در ماه صفر ۱۳۲۴ ق، نامه طباطبایی به عین الدوله به تاریخ ربیع الاول ۱۳۲۴، نامه طباطبایی به مظفر الدین شاه، نامه ناصرالملک به طباطبایی، نامه‌های بهبهانی به سفارت انگلیس برای جلب همراهی با جنبش و پذیرش میانجی‌گری بین مشروطه خواهان و شاه (کرمانی، ۱۳۷۶: ۳۵۷-۳۵۹، ۳۷۷؛ کرمانی، ۱۳۹۱: ۲۹۶، ۳۲۶-۳۲۸، ۳۳۸-۳۴۰، ۳۸۲-۳۸۸؛ خاطرات احتشام السلطنه، ۵۲۷-۵۳۱؛ دولت آبادی، ۱۳۶۱: ۲/ ۲۵-۱۹؛ کتاب آبی، ۱۳۶۳: ۱/ ۹؛ تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، ۱۳۵۲: ۸۵-۸۶؛ کسروی، ۱۳۸۵: ۹۴-۹۲، ۹۵-۹۷، ۱۰۱-۱۰۶)، «عریضه تلگرافی علماء اعلام و حجج الاسلام تبریز حضور شاه» مبنی بر دلجویی از مهاجرین قم و اعاده محترمانه آنها به تهران (کرمانی، ۱۳۷۳: ۵۳۵-۵۳۶)؛ نامه بست نشینان سفارت انگلیس به شاه تحت عنوان «عریضه ملت حضور اعلیحضرت بندگان شاهنشاه مظفر الدین شاه شاه خلد الله ملکه» مبنی بر درخواست موافقت شاه با تاسیس «مجلس معدلت»، نامه مهاجرین

قم به شاه مبنی بر درخواست تشکیل مجلس (کرمانی، ۱۳۹۱: ۴۳۳-۴۳۴؛ ۴۶۴-۴۶۵)، عریضه ارسالی طلاب و صرافان متحصن در سفارت انگلیس توسط گرانت داف به شاه، «عرض حال عمومی متحصنین در سفارت» به گرانت داف (تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، ۱۳۵۲: ۹۲ و ۹۹) از جمله این مذاکرات و رایزنی‌ها است. از همه جالبتر، شفاعت محمد علی میرزا ولیعهد نزد پدرش در جلب رضایت مهاجرین قم و «اعاده محترمانه» آن‌ها و جواب مثبت مظفر الدین شاه است (کرمانی، ۱۳۹۱: ۴۵۶-۴۵۷؛ کسروی، ۱۳۸۵: ۱۲۶-۱۲۷). بر اساس شواهد تاریخی، دولت انگلیس هم با مشروطه خواهان همراهی داشت و بر دربار فشار وارد می‌کرده (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ج ۱/ ۸۱-۸۲؛ کتاب آبی، ۱۳۶۳: ۱/ ۱۰-۱۱؛ تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، ۱۳۵۲: ۶۶ و ۶۸، ۹۴؛ اوبن، ۱۳۶۲: ۲۱۴-۲۱۵؛ گروه، ۱۳۶۹: ۲۳۵).

در ایامی که تحصن در قم و بست نشینی در سفارت انگلیس در جریان بود، عاقبت شاه عین الدوله را از صدارت عزل و مشیرالدوله را به جای او منصوب کرد و بعد عضدالملک را جهت گفتگو با مهاجرین قم و جلب رضایت آنها برای بازگشت به تهران اعزام نمود. در مذاکرات صورت گرفته، مهاجرین قم، شرط بازگشت را صدور «دستخط عدالتخانه و مشروطیت» عنوان کرده بودند. نهایتاً شاه با خواسته مشروطه خواهان موافقت کرده و در تاریخ ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ فرمان مشروطیت را صادر نمود و فرمان شاه در حضور هزاران نفر بست نشین در سفارت انگلیس قرائت شد و مهاجرین هم در تاریخ ۲۴ جمادی الثانی به تهران بازگشتند (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ج ۱/ ۸۵ و ۸۱-۹۰). پس از استعفای عین الدوله و جایگزینی مشیرالدوله، اختلافاتی بر سر تأمین مطالبات بست نشینان وجود داشت و مذاکره و رفت و آمدهایی بین بست نشینان، دربار و گرانت داف کارگزار سفارت انگلیس در جریان بود. عاقبت مجلس مذاکره ای مرکب از «رجال دولت و امنای ملت» در منزل مشیرالدوله صدر اعظم انجام شد و به قول کتاب آبی:

پس از مذاکرات بسیار و مباحثات طولانی اتفاق آراء بر این قرار گرفت که فرمانی از شاه در خصوص تأسیس مجلس مبعوثان و انتخاب وکلای ملت صادر شود. پس از صدور دستخط، آن را به سفارت برده در حضور متحصنین قرائت شده و مردم با کمال رضایت پذیرفتند (کتاب آبی، ۱۳۶۳: ۱/ ۱۰-۱۱؛ و نیز ن.ک: تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، ۱۳۵۲: ۹۴-۹۵).

کتاب نارنجی در مورد اقدام دولت پس از مهاجرت کبری و بست نشینی مشروطه‌خواهان در سفارت انگلیس، می‌نویسد که دولت دو راه داشت یا اینکه جنبش را با زور سرکوب کند و یا اینکه سریعاً تن به اصلاحات بدهد؛ «از آنجا که به پادگان تهران، که تعداد افرادش کم و ساز و برگ آنان اندک بود، نمی‌شد امید بست، راه دوم انتخاب شد»، عین الدوله از صدارت استعفا داده و با درخواست مهاجرین قم موافقت شد (کتاب نارنجی، ۱۳۶۷: ۱۷). اینکه شاه به دلیل کمبود قوای نظامی اقدام به سرکوب جنبش نکرد، منطقی و مورد قبول نیست چرا که قبلاً در ماجرای مسجد جامع / آدینه، سربازان حکومت به روی جمعیت معترض تیراندازی نموده و چند نفر را هم کشته بودند. دو سال بعد از صدور مشروطیت نیز محمد علی شاه مجلس را به توپ بسته، به رهبران آزادینخواه را اعدام نموده و به محاصره مقاومت تبریز پرداخت. در فاصله اعلان مشروطیت تا به توپ بستن مجلس، عدّه و عدّه نظامی موجود در تهران چندان تقویت نشده بود که بگوییم مظفر الدین شاه شاه در مقایسه با پسرش محمد علی قوای نظامی لازم را برای سرکوب نداشت. مسئله کاربرد زور در زمان محمد علی شاه به عوامل دیگری از جمله تحریک روسیه و حمایت این کشور از محمد علی شاه، درگیری مجلس و دربار، خودکامگی محمد علی شاه و برخی افراط ورزی های مشروطه خواهان بر می گردد و لذا می توان گفت که جنبش مشروطه علی‌رغم برخی خشونت ها عمدتاً مسالمت آمیز بود و فرمان مشروطه تحت فشار و مذاکره چند جانبه صادر شد. در ماجرای مسجد جامع / آدینه، حکومت اقدام به خشونت نمود اما جریان مذاکره و فشار از ابتدای جنبش در جریان بود و تاثیر بیشتری داشت. از سوی دیگر خود مظفر الدین شاه شاه بر عکس دربار، مخالفتی با جنبش نداشت و لذا نمی توان گفت که شاه قصد سرکوب داشته اما به دلیل فقدان قوای کافی نتوانست جنبش را سرکوب کند. درباره کم و کیف صدور فرمان مشروطیت، شمس الدین بیگ سفیر عثمانی، گزارش جالبی دارد، او می‌نویسد: «نتیجه آن شد که شاه به شدت مریض که حکومتش هم از انتظام امور ناتوان شده و اعتمادی هم به سربازانش نداشت و به شدت با تضییقات مالی روبه رو شده بود؛ در نهایت به تاریخ ۱۴ جمادی الآخر سنه ۱۳۲۴ ... در مقابل اصرار زیادی که وجود داشت، دستخط تشکیل مجلس ... صادر کرد» (حضرتی، ۱۴۰۰، سند شماره ۹: ۲۱-۲۰). اوین نیز می‌نویسد: «وقوع انقلاب ایران برق آسا بود ولی خشونت نداشت... از آشوب‌های خون آلود پرهیز نمود... از آغاز دوره انقلاب، همه‌ی آشوب‌های سیاسی ایران، در محیطی امن و آرام ادامه می‌یافت» (اوین، ۱۳۶۲: ۲۱۶). ویشارد با اشاره به قتل

سید عبدالحمید و درگیری سربازان حکومت با معترضینی که در مسجد جامع/آدینه اجتماع کرده بودند، روند جنبش مشروطه خواهی ایرانیان را بدون خونریزی ارزیابی کرده و می‌نویسد: «تمام این ماجراهای سیاسی مگر در آشوب هایی که در روز اول به وقوع پیوست بدون شلیک یک تفنگ و خونریزی پایان گرفت. چنین حوادثی در سایر شهرهای بزرگ بدون درگیری های خونین جریان یافت» ویشارد، ۱۳۶۳: ۳۳۱-۳۳۴.

در چهار انقلاب مورد مطالعه بریتون، دربار تصمیم جدی در سرکوب انقلابیون داشت ولی در جنبش مشروطه ایران، شاه مصمم به سرکوب معترضان نبود. همانطور که ذکرش رفت، مشروطه خواهان از طریق میانجی‌گری و روش‌های مذاکره و گفتگو در صدد دستیابی به مطالبات خود بودند. کاربرد زور در مقابل انقلابیون بیشتر با اقدام محمدعلی شاه در به توپ بستن مجلس و دوره استبداد صغیر قابل طرح است.

در فرمان ۱۴ جمادی الثانی که به فرمان مشروطیت معروف است، به حسن نیت شاه در اعطای مشروطیت اشاره شده و آمده است: «و نیز مقرر می‌داریم که: سواد دستخط مبارک را اعلان و منتشر نمایند؛ قاطبه‌ی اهالی از نیت حسنه‌ی ما، که تماماً راجع به ترقی دولت و ملت ایران است، کمابینعی، مطلع و مرفه الحال مشغول دعاگویی دوام این دولت و این نعمت بی زوال باشند» (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ج ۱/ ۸۶؛ کسروی، ۱۳۸۵: ۱۳۰). در اولین جلسه غیر رسمی مجلس در تاریخ ۲۷ جمادی الآخر در مدرسه نظامیه، ملک المتکلمین از آزادیخواهان معروف، متنی را از طرف ملت قرائت نمود که در آن متن، از مظفر الدین شاه به خاطر اعطای آزادی و تشکیل مجلس و فراهم نمودن زمینه برای احقاق حقوق ملت و سلطنت، و برقراری اتحاد بین ملت و دولت تشکر نموده و دعاگوی شاه می‌شود (مذاکرات مجلس اول، ۱۳۸۴: ۷۵۹-۷۶۰). همراهی و صدور فرمان مشروطیت از سوی مظفر الدین شاه، علاوه بر اینکه گویای مسالمت آمیز بودن مشروطه ایران است، صدق مفهوم انقلاب در باب مشروطه خواهی ایرانیان را نیز با مسئله جدی مواجه می‌سازد.

مطلب جالب دیگر اینکه بر اساس فرمان مشروطیت، قرار بر انتخاب نماینده از بین طبقات ششگانه بود؛ اما طبقه شاهزادگان به بهانه شاه دوستی تمایلی به حضور در انتخابات نشان نمی‌دادند. مظفر الدین شاه شاه در تاریخ ۸ شعبان ۱۳۲۴ در بین شاهزادگان سخنرانی کرده و آن‌ها را به شرکت در انتخابات ترغیب کرده و می‌افزاید که از زمان ولیعهدی در فکر تشکیل مجلس بودم در زمان سلطنت خودم چندین بار در پی تشکیل

مجلس شورا افتادم اما هر بار درباریان و صدر اعظم‌ها موانعی تراشیدند تا اینکه در دوره صدارت میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله و با همکاری حاج اسلام فرمان تشکیل مجلس صادر شد. مظفرالدین شاه در ادامه صحبت‌های خود در بین شاهزادگان می‌افزاید:

پس همه بدانید که ما به صراحت طبع این آزادی مشروع و مجلس شورای ملی را به ملت شاه پرست خود عنایت فرمودیم و ریاست این مجلس را با نهایت شوق خودمان قبول کرده ایم و این مجلس محترم مجلس خود ماست. هر کس ضدیت با این مجلس نماید به شخص ما ضدیت کرده (مذاکرات مجلس اول، ۱۳۸۴: ۷۶۵-۷۶۴).

سخنرانی شاه در بین شاهزادگان، نشان دهنده مسالمت آمیز بودن مشروطه، عدم کاربرد زور، غیرطبقاتی بودن آن و ماهیت اصلاحی جنبش در چارچوب نظام مستقر دارد که برخلاف چهار انقلاب مورد بررسی بریتون تغییری اساسی در ترکیب اداره کنندگان کشور و نظم مستقر به وجود نیاورد. معنی این سخن آن است که جریان مشروطه‌خواهی ایرانیان را باید «جنبش» نامید و اطلاق مفهوم «انقلاب» بنا به تعریفی که بریتون ارائه می‌کند برای مشروطیت ایران مصداق ندارد.

اخبار متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد شاه با مشروطیت همراهی داشته است، (کسروی، ۱۳۸۵: ۱۱۸-۱۱۹، ۱۲۹؛ هدایت، ۱۳۸۹: ۱۴۲، ۱۴۴) پس از مرگ مظفرالدین شاه نیز صنایع الدوله رئیس مجلس در جلسه ۲۵ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ به دلیل اعطای آزادی و مشروطیت به ملت ایران از سوی مظفرالدین شاه، نطق تمجید آمیزی از شاه مرحوم ایراد کرده بود (کتاب نارنجی، ۱۳۶۷: ۳۳). در چهار انقلاب مورد بررسی بریتون، شاه چنین تعاملی با انقلابیون نداشت و انقلابیون هم چنین تقدیری از شاه خود نداشتند. ما در جریان حوادث انقلاب فوریه ۱۹۱۷ روسیه، شاهد کناره‌گیری و اعدام تزار نیکلای دوم و تمام اعضای خانواده او، فرار و یا دستگیری وزرای امپراتور و تصرف نهادها و تمام پتروگراذ از سوی انقلابیون هستیم (فیتز پاتریک، ۱۴۰۰: ۶۹-۷۰، ۷۲؛ تروتسکی، ۱۳۹۹: ۱۲۲-۱۲۳، ۱۳۲؛ ۸۹۶-۹۰۰). لنین در جریان انقلاب روسیه بلشویک‌ها را به قیام مسلحانه دعوت می‌کرد (فیتز پاتریک، ۱۴۰۰: ۹۲؛ تروتسکی، ۱۳۹۹: ۸۲۲-۸۲۳، ۸۲۷). انقلابیون روسیه داری تشکیلات سیاسی بودند و در ادامه مبارزه، «کمیته نظامی انقلابی» هم تشکیل دادند (تروتسکی، ۱۳۹۹: ۷۹۳-۷۹۵) در ماه اکتبر مبارزه عملاً به شکل مسلحانه درآمد و شاهد تصرف موسسات شهری و دولتی و کاخ زمستانی (محل حضور و جلسات اعضای دولت موقت) از سوی کمیته نظامی-انقلابی شورای پتروگراذ هستیم

(تروتسکی، ۱۳۹۹: ۸۸۴-۸۸۵، ۸۹۴-۹۰۰، ۹۳۳؛ فیتز پاتریک، ۱۴۰۰: ۶۹). سخن آخر این‌که اگر توافقی در بین نبود و اعطای مشروطیت در ایران با روش مذاکره و فشار سیاسی نبود، چگونه امکان داشت که پس از تغییر نظام سیاسی از استبدادی به مشروطیت، شاه سابق همچنان بر سر کار بماند و در افتتاح مجلس حضور داشته باشد و قانون اساسی مشروطه را امضا کند. این می‌رساند که اعطای مشروطه مسالمت آمیز بوده و مشروطه‌خواهی ایرانیان به معنای واقعی کلمه به انقلاب منتهی نشد.

۴. نتیجه‌گیری

نتایج این مقاله نشان می‌دهد که مؤلفه‌های «رشد اقتصادی»، «تضاد طبقاتی» و «ناکامی شگفت‌آور در کاربرد زور» در جنبش مشروطیت ایران (۱۳۲۴ق) ملاحظه نمی‌شود. در سه مؤلفه مذکور، جنبش مشروطه ایران با چهار انقلاب مدنظر بریتون، اشتراک ندارد. مؤلفه‌های «ناکارایی ماشین حکومت» و «تغییر بیعت منورالفکران» در جریان مشروطیت ایران با چهار انقلاب مورد بررسی بریتون مشترک بوده و مشاهده شده‌اند. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که مشروطه‌خواهی ایرانیان خاستگاهی شهری داشته و نتیجه ناکارآمدی حکومت، مشکلات اقتصادی، و بیدارگری و مبارزه منورالفکران و روحانیون مشروطه خواه (به عنوان گروه فشار مورد نظر بریتون) بوده است. این مؤلفه‌ها در ایران عقبه درازی داشتند که نشانگر برهم خوردن تعادل نظام اجتماعی سنتی ایران در مواجهه با تمدن جدید بودند که با جرّقه‌هایی به جنبش مشروطه‌خواهی منتهی شدند.

در توضیح مؤلفه‌هایی که در مشروطیت ایران ملاحظه نشدند باید گفت که حکومت و مردم در عصر مشروطه، در حوزه اقتصادی با چالش جدی مواجه بودند. دیگر این‌که علی‌رغم اهمیت بسیار انگیزه‌های اقتصادی در مشروطه‌خواهی ایرانیان، باید گفت که جامعه ایران به مانند چهار انقلاب مورد بررسی بریتون، به دلیل درهم تنیدگی طبقات و پدیدآمدن طبقه زمینداران شهری و همچنین طرح مطالبه ملی و فرا طبقاتی (تشکیل حکومت قانون)، ماهیتی طبقاتی نداشت و تضاد طبقاتی موجود بین کارگران و کارخانه داران و یا دهقانان و ملاکین که موتور محرکه انقلاب روسیه شد، در مشروطیت ایران دیده نشد. پس از صدور فرمان مشروطیت نیز نظم جدیدی با رهبری طبقه خاصی شکل نگرفت. اقشار مختلفی با هدف محدود کردن اختیارات شاه گرد هم آمده بودند که در چهارچوب نظم مستقر به نتایجی نیز دست یافتند.

شرایط نابسامان داخلی، مشکلات و منافع اقتصادی (به عنوان ماده/عین) و شکل‌گیری آگاهی‌های جدید (به عنوان ایده/ذهن)، رابطه دیالکتیکی و متقابلی در تحولات ایران داشتند. رابطه دیالکتیکی ذهن و عین، روند مشروطه‌خواهی را شکل داده و سرعت بخشید. ظهور جریان منورالفکری و «تغییر بیعت منورالفکران» را هم در چهارچوب این رابطه باید ملاحظه نمود. با این وصف، حکومت قاجاریه به غیر از مورد واقعه مسجدجامع، از قوای نظامی، پلیس و زور استفاده نکرد. عدم استفاده از زور در مشروطه ایران مبنی بر ناکامی و ناتوانی دستگاه قاجارها نبود؛ بلکه در نتیجه شکل گرفتن جریان فشار و مذاکره از طرف منورالفکران و روحانیون مشروطه خواه و البته همراهی شخص شاه بود.

نتایج مقاله حاضر علاوه بر تبیین زمینه‌های مشروطه‌خواهی ایرانیان، اشتراکات و افتراقات جنبش مشروطه ایران در مقایسه با انقلاب‌های بزرگ دنیا (انگلیس، آمریکا، روسیه و فرانسه) را نیز نشان می‌دهد. علاوه بر این، نکته مهم این است که برعکس چهار انقلاب بزرگ، در ایران، انقلاب در سطح آن چهار کشور و معادل مفهوم انقلاب مورد تعریف بریتون اتفاق نیفتاد. بریتون در تعریف انقلاب چنین می‌گوید: «جانشینی ناگهانی و شدید گروهی است که تاکنون حکومت را به دست نداشته‌اند به جای گروهی دیگر که تا پیش از این متصدی اداره دستگاه سیاسی کشور بوده‌اند». چنین تحولی در مشروطیت ایران اتفاق نیفتاد بر همین اساس، می‌توان گفت که مشروطه‌خواهی ایرانیان نه «انقلاب» بلکه «جنبش» بوده است.

کتاب‌نامه

- آبراهامیان یرواند (۱۳۸۳)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری و محسن مدیر شانه‌چی، تهران: مرکز.
- احتشام السلطنه (۱۳۶۷)، *خاطرات احتشام السلطنه*، به کوشش سید محمد مهدی موسوی، تهران: زوار.
- احمد سیف (۱۳۷۳)، *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*، تهران: نشر چشمه.
- اوبن، اوژن (۱۳۶۲)، *ایران امروز: ۱۹۰۶-۱۹۰۷*، ترجمه و حواشی و توضیحات علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.

- ایوانف، م. س. (۱۳۵۷)، *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه کاظم انصاری، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- آدمیت، فریدون (۱۳۴۰)، *فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت*، تهران: سخن.
- آدمیت، فریدون و هما ناطق (۱۳۵۶)، *افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار*، تهران: آگاه.
- براون ادوارد گرانویل (۱۳۲۹)، *انقلاب ایران: از سال ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۹*، ترجمه و حواشی احمد پژوه (مبشر همایون)، تهران: کانون معرفت.
- براون، ادوارد (۱۳۸۶)، *تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت*، ترجمه محمد عباسی، تهران: نشر علم.
- بریتون، کرین (۱۳۶۳)، *کالبد شکافی چهار انقلاب*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نو.
- پاولویچ م.، تریا و. و س. ایرانسکی (۱۳۵۷). *سه مقاله درباره انقلاب مشروطه ایران*. تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- پروین، ناصرالدین (۱۳۷۷)، *تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان*، جلد اول پیدایش، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، *در مورد ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
- تاریخ استقرار مشروطیت در ایران: مستخرجه از روی اسناد محرمانه وزارت خارجه انگلستان* (۱۳۵۲)، ج ۱، استخراج و تهیه حسن معاصر، تهران: ابن سینا.
- تبریزی (مستشار الدوله)، میرزا یوسف خان (۱۳۵۶)، *یک کلمه*، به کوشش باقر مومنی، تهران: شبگیر.
- تروتسکی، لئون (۱۳۹۹)، *تاریخ انقلاب روسیه*، ترجمه سعید باستانی، تهران: نیلوفر.
- تفرشی حسینی سید احمد (۱۳۵۱)، *روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران*، به کوشش ایرج افشار، امیر کبیر، تهران.
- تقی زاده سید حسن (۱۳۷۹)، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، تهران: فردوس.
- حبل المتین (۲۸ رجب ۱۳۱۹)، ش ۶.
- حبل المتین (۳ صفر ۱۳۲۰)، ش ۲۸.
- حبل المتین (۱۸ ربیع الاول ۱۳۲۱)، ش ۳۱.
- حبل المتین (۱۶ جمادی الاول ۱۳۲۱)، ش ۳۸.
- حبل المتین (۳ محرم ۱۳۲۲)، ش ۲۶.

- حبل المتین (۸ صفر ۱۳۲۲)، ش ۲۹.
- حبل المتین (۲۲ صفر ۱۳۲۲)، ش ۳۱.
- حبل المتین (۱۱ صفر ۱۳۲۳)، ش ۲۸.
- حبل المتین (۱۳ محرم ۱۳۲۴)، ش ۲۷.
- حبل المتین (۲۰ محرم ۱۳۲۴)، ش ۲۸.
- حبل المتین (۱۶ ربیع الاول ۱۳۲۴)، ش ۳۵.
- حضرتی، حسن (۱۴۰۰)، *مشروطه ایران به روایت آرشبو عثمانی*، بی جا: لوگوس.
- خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت (۱۳۵۹)*، به کوشش حمید سیاح و به تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران: امیر کبیر.
- دولت آبادی، یحیی (۱۳۶۲)، *حیات یحیی*، ج ۲، تهران: فردوسی.
- سایکس سرپرسی (بیتا)، *تاریخ ایران*، ج ۲، ترجمه محمد تقی فخر داعی گیلانی، تهران: شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران.
- سفرنامه حاج سیاح (۱۳۸۶)*، بکوشش علی دهباشی، تهران: سخن.
- شریف کاشانی، محمد مهدی (۱۳۶۲)، *واقعات اتفاقیه در روزگار*، گرد آوری منصوره اتحادیه و سیروس سدوندیان، تهران: تاریخ ایران.
- طالبوف، عبد الرحیم (۱۳۵۶)، *کتاب احمد*، با مقدمه و حواشی باقر مومنی، تهران: شبگیر.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، *تاریخ اقتصادی ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
- فریزر، جیمز بیلی (۱۳۶۴)، *سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی*، ترجمه و حواشی از منوچهر امیری، تهران: توس.
- فشاهی، محمد رضا (۱۳۵۴)، *از گاتها تا مشروطیت: گزارشی کوتاه از تحولات فکری و اجتماعی در جامعه فتودالی*، تهران: گوتنبرگ.
- فشاهی، محمد رضا (۱۳۶۰)، *تکوین سرمایه داری در ایران*، تهران: گوتنبرگ.
- فلاندن، اوژن ناپلئون (۱۳۵۶)، *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*، ترجمه حسین نور صادقی، تهران: اشراقی.
- فیتز پاتریک، شیلا (۱۴۰۰)، *انقلاب روسیه*، ترجمه سید حسن جزایری، خرم آباد: شاپور خواست.
- کتاب آبی: *گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران (۱۳۶۳)*، ج ۱، به کوشش احمد بشیری، تهران: نشر نو.

- کتاب نارنجی: گزارش های سیاسی وزارت خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب مشروطه ایران (۱۳۶۷)، ج ۱، به کوشش و ویراستاری احمد بشیری، نشر نور، تهران.
- کرزن، جرج ناتانیل (۱۳۸۰)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۱، چاپ پنجم، تهران: علمی و فرهنگی.
- کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۷۶)، *تاریخ بیداری ایرانیان*، ۳ جلد، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: نشر پیکان.
- کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۹۱)، *تاریخ بیداری ایرانیان*، تهران: امیر کبیر.
- کسروی، احمد (۱۳۸۵)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: نگاه.
- کوزنتسوا، ن. آ. (۱۳۵۸)، *اوضاع سیاسی و اجتماعی-اقتصادی ایران در پایان سده هجدهم تا نیمه نخست سده نوزدهم میلادی*، ترجمه سیروس ایزدی. تهران: نشر بین الملل، ۱۳۵۸.
- کوزنتسوا، ن. آ. ل. م. کولاگینا و و. و. تروپتسکوی (۱۳۸۶)، *پژوهش هایی پیرامون تاریخ نوین ایران*، تهران: زوار.
- کیث ادوارد ابوت (۱۳۹۶)، *شهرها و تجارت ایران در دوره قاجار: گزارش کنسول ابوت از اقتصاد و جامعه ایران ۱۸۶۶-۱۸۴۷ م*، ترجمه سید عبدالحسین رئیس السادات (تهران: امیر کبیر.
- گروته، هوگو (۱۳۶۹)، *سفرنامه گروته*، ترجمه مجید جلیلود، تهران: مرکز.
- مالکم، سرجان (بی تا). *تاریخ ایران*، ج ۲، ترجمه میرزا حیرت. تهران: نشر کتابفروشی سعدی.
- مجد الملک، میرزا محمد خان (۱۳۲۱)، *رساله مجادیه*، تصحیح سعید نفیسی، طهران: چاپخانه بانک ملی ایران.
- مذاکرات مجلس اول ۱۳۲۶-۱۳۲۴: توسعه سیاسی ایران در ورطه سیاست بین الملل (۱۳۸۴)، به کوشش غلامحسین میرزا صالح، تهران: مازیار.
- مراغه‌ای، حاجی زین العابدین (۱۳۸۸)، *سیاحت نامه ابراهیم بیگ*، به کوشش م. ع سپانلو، تهران: آگه.
- ملایی توانی، علیرضا (۱۳۹۹)، *تکاپو برای آزادی*، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- مومنی، باقر (۱۳۵۲)، *ایران در آستانه انقلاب مشروطیت*، تهران: شبگیر.
- واتسن، رابرت گرانت (۱۳۴۸)، *تاریخ ایران دوره قاجاریه*. ترجمه وحید مازندرانی. تهران: امیر کبیر.
- ویشارد، جان (۱۳۶۳)، *بیست سال در ایران*، ترجمه علی پیرنیا، تهران: نوین.
- هدایت (مخبر السلطنه)، مهدی قلی خان (۱۳۸۹)، *خاطرات و خطرات*، تهران: زوار.
- یزدانی، سهراب (۱۳۹۹)، *مجاهدان مشروطه*، تهران: نی.